

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (انسان: ۱)

شاید نگاه سطحی ما دیندارانِ ظاهری و قشری، این خطاب قرآنی و کلام الهی را، همچون بسیاری از کارها و روش‌های خودمان، سرکوفتی به انسان و نوعی تحقیر او تأویل کند؛ با این تصور که شاید چنین تحقیر و سرزنشی او را به راه درست هدایت کند. این برداشت، حاصل ظرفیت اندک ما در درک مفاهیم دینی است و جز تخریب دین، تاکنون نتیجه‌ای نداشته است.

در حالی که کلام الهی، چیزی جز کرامت و عظمت انسان، تعظیم او و فراتر بردنش از این جایگاه ظاهری نیست.

ترجمه‌های مشهور، «هَلْ أَتَى» را به معنای «گذشته است» گرفته‌اند؛ یعنی زمانی بر انسان گذشته که چیزی ارزشمند یا شایسته ذکر نبوده است. اما شاید این تعبیر معانی دیگری نیز داشته باشد و بتوان آن را به شکل‌های دیگری فهم کرد.

در هر حال، آنچه در این کلام نفی می‌شود، انسان در این ظرفیت ظاهری و محدود اوست؛ یعنی انسان فراتر از چیزی است که ما از او ساخته‌ایم. و این چیزی که ما از انسان فکر می‌کنیم، یعنی این حیثیت مادی و این قالب‌های این جهانی، چه دینی و چه غیردینی، تمام حقیقت او نیست. چه دیندار باشیم و بر اساس دینِ تخیلی و توهمیِ خودمان تصویری از انسان ساخته باشیم، و چه کسانی که به تخیل خودشان غیردینی یا بی‌دین هستند و دین را کنار گذاشته‌اند، آنچه از انسان ساخته‌ایم، در برابر حقیقت او چیزی نیست که بتواند ارزش و جایگاه واقعی‌اش را بیان کند. انسان ورای این است.

اگر منظور این باشد که انسان زمانی وجود نداشته، آیا آن زمان واقعاً برای او گذشته است؟ اگر انسانی نبوده، پس دورانی هم برای او نگذشته است. اما تعبیر آیه این است که بر انسان دورانی گذشته که در آن «چیزی مذکور» نبوده است. پس انسان، ورای این «هیچ» است؛ حتی در آن مرتبه‌ای که چیزی مذکور نبوده، حقیقتی از انسان وجود داشته است. و این می‌تواند نشانه‌ای از وجودی برتر، کامل‌تر و عظیم‌تر در انسان باشد.

با این نگاه، آیه به عظمت انسان، ورای زندگی مادی، اشاره می‌کند؛ انسانی که حقیقتش به این جسم، این دنیا و حتی به آمدن او به این جهان محدود نمی‌شود.

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (انسان: ۲)

این خلقتِ این جهانی، یعنی صورت مادی و ظهور دنیوی انسان، از نطفه‌ای شکل گرفته است؛ اما این، آن وجود کامل و حقیقتی نیست که در ورای این مرتبه قرار دارد. این خلقت دنیوی، بستری برای ابتلای اوست؛ قرار گرفتن در این زندانِ جهان و در معرض حوادث و قوسِ صعودی، تا بتواند از این مرتبه فراتر برود و دوباره خود را به آن حقیقت برتر و جایگاه بالاتر نزدیک کند.

انسان را نسبت به این جهان، سمیع و بصیر آفریده است؛ یعنی این دنیا و مادیات و آثار آن و همه چیز را ببیند و بشنود. طبق این نگاه، اگر درست باشد، این سمیع و بصیر چندان تعریف و توصیف کاملی از انسان نیست؛ چراکه سمع و بصر نسبت به این عالم، می‌تواند مانع آن سمع و بصر حقیقی شود که آن وجود برتر دارد و انسان را در یک زندان قرار دهد.

همان‌طور که از حیث عقلی و از حیث واقعی، درک انسان از این جهان می‌تواند همان زندان او باشد. انسانی که «مرغ باغ ملکوت» است و از عالم خاک نیست، می‌آید به این عالم خاک. وقتی این عالم خاک را می‌بیند، وقتی آن را حس می‌کند و وقتی خلقت مادی‌اش در آن کامل می‌شود، عقل و گوش و فهم و درکش نیز کامل‌تر می‌شود؛ اما در عین حال، این زندان هم پیوسته کامل‌تر و کامل‌تر می‌شود، مگر اینکه راه بازگشت را انتخاب کند.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان: ۳)

در هر شرایطی، راه بازگشت را برای او باز کرده‌ایم. این بازگشت به بی‌نهایت، بازگشت به آن وجود حقیقی و رها شدن از این زندان، برای همه انسان‌ها باز بوده، باز هست و باز خواهد بود.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (انسان: ۴)

اما آن‌هایی که در مقابل این وجود برتر مقاومت می‌کنند و کفران می‌کنند و تمام توجه‌شان را به این زندان معطوف می‌کنند، همین جهان بی‌نهایت، مانند سلسله‌هایی از زنجیر، آن‌ها را گرفتار می‌کند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (انسان: ۵)

اما ابرار، عبادالله، آن کسانی که در این جهان و در این زندان آلوده نمی‌شوند، نگاهشان به آسمان است، نگاهشان به بی‌نهایت است، این‌ها از یک چشمه‌ی معرفت نورانی شروع به نوشیدن می‌کنند؛ چشمه‌ای که از درونشان می‌جوشد و از حقیقت وجودشان سرچشمه می‌گیرد. اگرچه بهشتی هم هست، اما حقیقت آن بهشت، همین وجود است که در همین عالم در جریان است و در آن زمان، آشکاری و ظهور کامل را پیدا می‌کند. این‌ها در این جهان و در این زندان، مواظب هستند که این زندان آن‌ها را آغشته و آلوده نکند. و هر چیزی که نگاه برتری به این جهان دارد، به آن چیز، به آن مسئله و به آن امر، توجه ویژه دارند.

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (انسان: ۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (انسان: ۷)

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان: ۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (انسان: ۹)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (انسان: ۱۰)

که مصداق اتم و اعلای آن، اهل بیت (ع) هستند؛ همان‌طور که روایات شیعه می‌گویند. آن‌هایی که در یک زندگی عادی، در همین روزمرگی‌ای که همه ما داریم، با همین خوراک و پوشاک و همین برخورد با انسان‌های دیگر، رفتارهایی دارند که تمام این آیات در آن‌ها صدق می‌کند، الگوی اتم و کامل هستند.

و این ها انواع برکات و نعمت ها را همین الآن درک می کنند؛ نه اینکه اکنون فقط مشقت داشته باشند و خوشی شان برای آن جهان باشد. آن بهشتی که صرفاً خوشی باشد، بهشت ضعیفی است. بهشت، حقیقتِ انسان است؛ انسان های پاکی که در همین جهان، در این زندان، آلوده نمی شوند و نگاهشان به بالاتر است. و بعد از توصیف این حالات؛

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (انسان: ۲۲)

این سعی و توجهی که در این زندان دارید، شما را مستقیم و بدون واسطه به نتایج می رساند:

إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (انسان: ۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (انسان: ۲۴)

این مسیر همین است؛ و این اطرافیان و دیگرانی که در این جهان، در این زندان، آلوده شده اند، نباید باعث شوند که حواس انسان پرت شود.

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (انسان: ۲۵)

برای اینکه این زندان انسان را آلوده نکند و انسان فراموش نکند، صبح و شب باید توجه اش به بی نهایت باشد.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (انسان: ۲۶)

این شب که مایه آرامش است و خداوند آن را به گونه ای آفریده که این هیاهو (هموم و غموم دنیا) و مشغله های جهان و روزمرگی نمی توانند بر آن غالب شوند، بهترین ظرف برای انسان است؛ برای سجود، برای اینکه همه ی قوای انسانی، توجه خود را متمرکز کنند به سمت بی نهایت.

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (انسان: ۲۷)

کسانی که به این توجه ندارند، دیدشان کوتاه است؛ فقط جلوی پایشان را می‌بینند، آن ورای این جهان را نمی‌بینند و در نتیجه، چیزهای عظیمی را از دست می‌دهند.

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا (انسان: ۲۸)

ما آن‌ها را خلق کرده‌ایم و همه‌ی نیروهایی را که دارند، نیروهای جسمی و مادی و هر چیزی را که در این جهان به آن می‌نازند، ما به آن‌ها داده‌ایم و استحکام بخشیده‌ایم. اتصال و هیئت و ساختار وجودی‌شان در دست ماست و اگر بخواهیم، می‌توانیم آن را به شکل دیگری تبدیل کنیم. اما آن‌ها به این حقیقت توجه ندارند.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (انسان: ۲۹)

این راه همین است. هر کسی بخواهد، می‌رود و هیچ مانعی برای هیچ‌کسی، برای احدی، وجود ندارد.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (انسان: ۳۰)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (انسان: ۳۱)

همان چیزی که گفته شده، منشأ و مبدأ همه‌ی این‌ها از جانب خداوند است. این دو در طول هم هستند، نه در عرض هم. توجه انسان به بی‌نهایت، اتصال به بی‌نهایت است؛ اتصالی که از دو طرف شکل می‌گیرد. کسی که این مسیر را برود، می‌رسد؛ و آن‌هایی که این توجه را فراموش می‌کنند، گرفتار سختی‌های سنگینی می‌شوند.

راه توجه، همین ذکرِ روز و شب و شب‌های طولانی است که انسان می‌تواند به سجود بگذراند. سجود فقط سجود ظاهری نیست؛ اینکه پیشانی را بر خاک بگذارد، به تنهایی مقصود نیست. سجود یعنی اینکه انسان در شبی که می‌گذراند، برای لحظاتی، برای دقایقی، برای نیم ساعت یا یک ساعت، بتواند با خودش یک خلوت حقیقی داشته باشد. این خلوت حقیقی باید انسان را از فکر و هیاهوی روزمره جدا کند؛ به هر صورتی که هست. نه اینکه خلوتی باشد که تمام شلوغی‌های روزمره، تمام هوس‌ها، تمام

حُب‌ها، تمام تلاش‌ها و همه این هم‌وغم‌هایی که در طول روز دارد، در آن‌جا بیشتر بر سرش بریزند و مثل تار عنکبوت او را در خود بگیرند.

لحظه‌ای که انسان از این خانه‌ی عنکبوتی که برای خودش ساخته و در ذهنش حاکم کرده، خلاص شود، همین است. اگر در شبانه‌روز، حتی برای یک لحظه - و بیشتر از یک لحظه که چه بهتر - چنین حالتی برای انسان رخ بدهد، بدون تردید عامل نجات اوست.